

سورة الاحقاف

منبر مکتوب

چشم‌ها را باید شست



مؤسسه آوای سخن سدید



قرارگاه جهاد تبیین

حضرت زینب سلام الله علیها

رضا رضای رحمتی

زمستان ۱۴۰۱

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۴

مبحث اول:

واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت

هر عبادتی اثری دارد ۹

لذت، اثر عبادت در جان آدمی ۹

چرا من لذت عبادت را نمی‌برم؟ ۱۰

چرا بعضی‌ها عاشق عبادت می‌شوند؟ ۱۰

به جای زجر عبادت، لذت عبادت را به دیگران منتقل کنیم ۱۱

لذت بردن از عبادت، راه شکست عجب در عبادت ۱۳

عبادت شاکرانه در اثر چشیدن شیرینی عبادت به دست می‌آید ۱۳

واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت ۱۴

هواپرستی، بزرگ‌ترین مانع واقع‌بینی ۱۶

واقع‌بینی یعنی بصیرت ۱۸

واقعیتی به نام گذشته ۱۸

ما در گذشته در چه وضعیتی بودیم؟ ۱۹

مبحث دوم:

دیدن واقعیت‌های زمان خودمان

خیلی باید از خودمان مراقبت کنیم ۲۴

ما زحمت‌های مراقبت از خود را می‌پذیریم ۲۴

۲۵	راه‌های مراقبت از واقع‌بینی.....
۲۵	۱. پای هر رسانه‌ای نشینیم.....
۲۷	۲. با هرکسی نشست و برخاست نکنیم.....
۲۸	۳. انس با قرآن.....
۲۹	قدم دوم برای واقع‌بینی، دیدن واقعیت‌های زمان خودمان است.....
۳۰	امروز چه چیزی را ببینیم؟.....
۳۰	۱. دیدن دشمنی‌ها.....
۳۱	اقتصاد، معادلهٔ چند مجهوله.....
۳۱	نقش مردم در اقتصاد.....
۳۲	تجربه موفقیت در جنگ جهانی ۸ ساله با نقش آفرینی مردم.....
۳۲	امام (ره): حضور مردم، یک معجزه است!.....
۳۳	تغییر مدل معیشتی مردم از بانک‌محوری به تعاونی‌محوری.....
۳۴	تعاونی فامیلی یا مسجدی یا هیئتی راه بیندازید!.....
۳۴	۲. دیدن دستاوردها با همهٔ دشمنی‌ها.....
۳۵	زن در دوران پهلوی و دوران ما.....
۳۶	سربازی زنان ایرانی در دوره پهلوی.....
۳۷	زن در انقلاب اسلامی به کجا رسیده است؟.....
۳۸	نگاه والا و بالای اسلام به زن.....
۴۰	زن سرچشمه قدرت در جامعه.....

مبحث سوم:

دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده

۴۳	چشم بصیرتی که از نان شب واجب‌تر است.....
----	--

- شرط بودن در مسیر ولایت ۴۴
- نقش عقل در دیدن واقعیت‌های دور و آینده ۴۵
- چه چیزی از آینده را بینیم؟ ۴۵
۱. دیدن شکستن تمدن پوسیده غرب ۴۵
۲. دیدن اینکه آینده سه هیچ به نفع ماست ۴۷
- بی‌سر و صدا، به سمت قلّه پیشرفت ۴۷
- نقش ما در ساخت آینده چیست؟ ۴۸
- استقامت و صبر شرط آینده‌سازی ۴۹
- استقامت و صبر رمز پیشرفت ۵۱
- صبر جمعی لازم است ۵۱
- اولین علامت جامعهٔ صبور ۵۲
- نقش مدیران سیاسی در مدیریت عجله و صبر در جامعه ۵۲
- چگونه در مدیریت ولایت، مردم به منافع بلندمدت خود می‌رسند؟ ۵۳
- استقامت زینبی، تبیین زینبی، راه رسیدن به قله‌ها ۵۴
- نقش من در جهاد تبیین ۵۵
- چگونگی جهاد تبیین توسط یک خانم خانه‌دار؟ ۵۵
- موانع جهاد تبیین را از وجود خودمان برداریم ۵۷
- عواقب شوم عدم جهاد تبیین ۵۹

مبحث اول:

واقع بینی مهم ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت

هر عبادتی اثری دارد

هر عبادتی اثری در جان ما می‌گذارد؛ شبیه اثر رنگ بر بوم نقاشی. هر عبادتی طعم و رنگ و ویتامین خودش را دارد. این آثار عبادت، کاملاً حس کردنی است، نه اینکه آثاری باشد که ما نفهمیم. کافی است، قدری لطافت روح داشته باشیم تا اثر عبادت را در جان خودمان لمس می‌کنیم.

لذت، اثر عبادت در جان آدمی

آیت الله بهجت (ره) می‌فرمودند: «در حدیث قدسی آمده است: «تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّكُمْ تَتَعَمَّنُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ؛ در دنیا از عبادت من لذت ببرید؛ زیرا شما در آخرت از همان لذت برده و بهره‌مند خواهید بود»؛ یعنی از عبادت لذت می‌برید. این حدیث از روایتی که شیخ رحمه‌الله نقل کرده که «نماز، گرسنگی و تشنگی را بر طرف می‌کند» بالاتر است؛ زیرا دوام و استمرار را می‌رساند.»^۱

ببینید اینجا آیت الله بهجت (ره)، طبق روایت، لذت را به عنوان اثر عبادت در جان آدم ذکر می‌کنند. بعد در سخن دیگری فرمودند: «در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ: الطَّيِّبُ، وَ النَّسَاءُ، وَ جُعِلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» از دنیای شما سه چیز مورد علاقه و محبوب من است: عطر و بوی خوش، زنان و نور چشم من در نماز است. از این حدیث استفاده می‌شود که بالاترین لذت و خوشی در دنیا، به حسب ظاهر طیب و نسا است و عدول ندارد و دل‌ها متوجه آن دو است؛ اما درباره عبارت «وَ جُعِلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» بعضی گفته‌اند: عدول است، ولی چنین نیست، بلکه شاید اشاره به این است که نماز هم مشابه لذاتی را

که طیب و نسا در همین دنیا دارند، داراست؛ یعنی لذت نماز به مراتب بالاتر از لذت طیب و نسا است.^۱

یعنی شما می‌خواهی در این دنیا از چه چیزی لذت ببری؟ اساساً چه چیزی‌های برای ما در این دنیا لذت‌بخش است؟ بالاترین لذتی که شما می‌توانی در این دنیا از چیزی ببری، از نماز است. اینجا اثر عینی عبادت را ذکر کردند؛ یعنی لذت بردن و این لذت بردن اثر دنیوی عبادت است. یعنی در این دنیا شما از نماز می‌توانی لذت ببری.

چرا من لذت عبادت را نمی‌برم؟

حالا چرا من لذت عبادت را نبردم؟ جای خودش باید بحث کنیم که چه موانعی وجود دارد که نمی‌گذارد ما از عبادت حسایی لذت ببریم. فرمود: «همان طور که مریض از غذا خوردن لذت نمی‌برد، آدم‌های که علاقه‌های مزاحم عبادت را برنداشته باشند، از عبادت لذت نمی‌برند»^۲؛ اما عبادت، اثرش لذت است و این لذت هم قابل حس و لمس است.

چرا بعضی‌ها عاشق عبادت می‌شوند؟

چرا بعضی‌ها عاشق عبادت می‌شوند؟ چون لذت عبادت را می‌چشند. این اثر عبادت را در جان خودش حس می‌کنند، دیگر عبادت را ول نمی‌کند. فرمود: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يَبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرٍ أَمْ عَلَى يَسْرٍ؛ بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود، با عبادت دست بگردن شود و آن را از دل دوست دارد و با تن

۱ همان، ص ۱۸۱.

۲ «كَمَا يَنْظُرُ الْمَرِيضُ إِلَى طَيْبِ الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَذُّهُ مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَ لَا يَجِدُ حَلَاوتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ» (تحف العقول، ص ۵۰۷)

مبحث اول: واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت □ ۱۱

خود انجام دهد و برای آن فارغ شود (بکار دیگر دل مشغول ندارد) چنین شخصی باک ندارد که زندگی دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی.^۱

اصلاً جای مسئله عشق در عبادات ما کجاست؟ آیا ما از سر عادت عبادت می‌کنیم یا از سر عشق؟ فرمود: «لَا تَنْظُرُوا إِلَيَّ طُولَ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ أَعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ؛ به طول دادن رکوع و سجود شخص نگاه نکنید زیرا به آن عادت کرده و اگر آن را ترک کند وحشت‌زده می‌شود»^۲ بعد فرمود: «به مدیریت زبانش نگاه کنید و به امانت داری او.»^۳

بنابراین اولاً عبادت اثر دارد و آثار عبادت بیش از اینکه آخرتی باشد و قبل از اینکه عبادت اثرش را در آخرت نشان دهد، در دنیا نشان می‌دهد. پس فواید عبادت هم دنیوی است و هم حس کردنی. حداقل اثر عبادت، لذت و نشاط است.

مثلاً حضرت فرمود روزه‌دار دو جا حال خوش و خوبی دارد یکی در لحظه افطار و دیگری لحظه ملاقات خدا؛ لِلصَّائِمِ فَرَحَتَانِ فَرَحَةٌ عِنْدَ افْطَارِهِ وَ فَرَحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.^۴ خب خدایا همه شادی را بگذار بنده خوبت لحظه ملاقات با شما کسب کند، نه خدا در جا حساب بنده‌اش را پر و دلش را لبریز از شادی می‌کند؛ یعنی این عبادت اثرش را در دنیا نشان می‌دهد.

به جای زجر عبادت، لذت عبادت را به دیگران منتقل کنیم

ما گاهی اوقات طوری عبادت می‌کنیم که غریبه‌ها فکر می‌کنند وای چقدر این‌ها زجر می‌کشند. در حالی که اصل ماجرای رابطه ما با خدا، اینجاست. آن

۱ کافی، ج ۲، ص ۸۳.

۲ کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳ همان.

۴ الفقیه، ج ۲، ص ۷۶.

سختی کشیدن‌ها، فرع ماجراست. اگر دیگران از عبادت یاد لذت نیفتند؛ یعنی ما در آموزش دین در مدارس و در منابع خودمان به بیراهه رفتیم. مگر عبادت لذت ندارد؟ چرا از لذت عبادت نگفتیم؟ آیا عمیق‌ترین لذت در عبادت نیست؟

وقتی شما این آثار عبادت را با صدای بلند برای دیگران بگویید، هم آن‌ها را از سوءتفاهم در می‌آوری که عبادت تلخ نیست، بلکه شیرین است و شیرینی آن در دنیا قابل تجربه است.

یک ورزشکار چقدر زحمت می‌کشد یا یک فوتبالیست چقدر در زمین دوندگی دارد و عرق می‌ریزد؛ اما هیچ کس به این بخش پرزحمت ورزش و فوتبال نگاه نمی‌کند. همه عرق آن آثار دویدن‌ها و زحمت‌ها هستند. هیچ فوتبالیستی حتی نشان نمی‌دهد من خسته شده‌ام. از بس عرق بخش شیرین ماجرا هستیم اصلاً به قسمت سخت و پرزحمت ماجرا، نگاه نمی‌کنیم.

شیرینی عبادت و فواید آن آنقدر فراوان قابل لمس هست که دیگر شما به بخش سخت ماجرا فکر نمی‌کنی

شما به اعتکاف نگاه کن جوان‌هایی که مزه اعتکاف زیر زبانشان آمده مگر اعتکاف را ول می‌کنند. در اعتکاف چه اتفاقی می‌افتد که اینقدر اعتکاف مشتری دارد؟

بعد ریشه بدحالی کسانی که اهل عبادت نیستند را هم می‌توانی توضیح بدهی. بین دوری از عبادت تو را افسرده می‌کند. فرمود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۱ از خدا دور شدی زندگی‌ات به هم می‌ریزد و این به هم ریختگی را حس می‌کنی.

لذت بردن از عبادت، راه شکست عجب در عبادت

ضرورت دیگری که ما را محتاج به آثار عبادت می‌کند، جدای از اینکه دیگران را از سوء تفاهم در بیاوریم، این هست که خودمان هم از عجب و غرور عبادت نجات پیدا می‌کنیم.

شما چطوری می‌خواهی جلوی عجب در عبادت را بگیری؟ عجبی که نرخ شاه عباسی هر عبادتی هست. عجبی که فرمود: «گناهی که تو را ناراحت کند بهتر از کار خوبی که تو را به وادی عجب بکشاند؛ سیئهٔ تسوؤک خیر من حسنۀ تعجبک»^۱ ببینید حالا دیگر عجب چه زهر ماری است! عجب یعنی از خودت یا کارت خوشت بیاید، آنچنان که بر سر خدا منت بگذاری و طلبکارانه به خدا بگویی ببین خدا حرفت را گوش کردم! حالا چطور می‌خواهی از این زهر ماری نجات پیدا کنی؟

عبادت شاکرانه در اثر چشیدن شیرینی عبادت به دست می‌آید

اگر به فواید عبادت رسیدی و نانش را خوردی و بردی، دیگر برای خودت به خاطر عبادت کردن نوشابه باز نمی‌کنی می‌گویی نانش را بردم، می‌روی به سمت عبادت شاکرانه. چون از عبادت کیف کردی، شرمندۀ خدا می‌شوی و شاکرانه عبادت می‌کنی، نه شاکیه و طلبکارانه. بعد خودت را برای عبادت می‌کشی، نه اینکه به زحمت خودت را به سمت عبادت بکشی. نقل شده پیغمبر آنقدر نماز می‌خواند، پاهای مبارک حضرت از بس سر نماز ایستاده بود، باد می‌کرد. بعد یکی از خانم‌های پیغمبر از حضرت پرسید چرا خودتان را در عبادت این قدر به زحمت می‌اندازید در حالی که گناهی ندارید و خدا شما را بخشیده است؟ حضرت فرمود: «أَلَا أكونُ عبداً شكوراً»^۲ یعنی آیا نباید بنده شاکری باشم؟ چه کسی عبادت شاکرانه انجام می‌دهد؟ کسی که لذت عبادت را چشیده باشد و فواید آن را لمس کرده باشد. دیگر

۱. عده الداعی، ص ۲۳۶.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۵.

ول کن ماجرا نیست. پس هم دینداران نیاز دارند به دانستن و دریافت فواید عبادت و هم دیگرانی که ممکن است عبادت در چشم آن‌ها پرزحمت باشد.

بنابراین اگر ما آثار عبادت را ببینیم، خود ما دینداران از عبادت مغرور نمی‌شویم و هم اکثر کسانی که اهالی عبادت نیستند، در اثر دیدن حال خوب ما یا شنیدن فواید دنیوی عبادت علاقه‌مند به عبادت و معنویت می‌شوند. نه فقط زحمت عبادت را ببینند.

پس عبادت فایده دارد و فواید آن را می‌توانیم حس و لمس کنیم و فایده آن قبل از اینکه آخرتی باشد، در دنیا حس کردنی است و ما باید فواید عبادت در دنیا را در عمل با صدای بلند با دیگران در میان بگذاریم تا آن‌ها را به عبادت علاقه‌مند کنیم و بگوییم علت بسیاری از بدحالی‌ها این است که عبادتی را ترک کردی عزیزم!

دیدنی می‌گویند فلان ویتامین اگر به بدنت نرسد بی‌حال می‌شوی. بسیاری از بدحالی‌ها به خاطر همین است که ویتامین‌هایی که در اثر عبادت قرار بود دریافت کنی، به دست نیاوردی.

واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت

پس تا حالا چی گفتیم آقا؟! گفتیم عبادت اثر دنیوی دارد. یکی از فواید عبادت، همین لذت بردن و نشاط و شادی است. فایدهٔ دیگر عبادت و یکی از مهم‌ترین فواید عبادت در دنیا که اتفاقاً با دیگران هم باید در این باره حرف بزنیم، این است که شما در اثر عبادت قدرت دیدن واقعیت‌ها را پیدا می‌کنید. واقع‌بینی و قدرت دیدن واقعیت‌ها در دنیا، عالی‌ترین اثر عبادت است.

این طوری نیست که همه قدرت دیدن همهٔ واقعیت‌ها را داشته باشند. خداوند متعال در قرآن کریم صف آدم‌های که واقع‌بین هستند را از بقیه جدا می‌کند و چه

مبحث اول: واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت □ ۱۵

اصراری دارد بر اینکه به ما بفهماند شما فکر نکن، همه واقع‌بین هستند. اصلاً ابزار دیدن ندارد. چشم دارند، ولی نمی‌توانند ببینند. یکی از ویژگی‌های مهم کافر، همین است، قدرت دیدن ندارد. می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْآذِيِّ يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عَمِي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ مَثَل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر)، صدا می‌زند، ولی آن‌ها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی‌کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمی‌فهمند!»^۱ خداوند متعال نمی‌خواهد اینجا بی‌احترامی کند، کافران را تشبیه می‌کند به حیوانات زبان نفهم، بلکه این واقعیت حال آنان است و خدا خبر از واقعیت می‌دهد.

وقتی شما لفظ را کافر می‌شنوی، ذهنت نرود سراغ آدم‌های یا جوج ما جوج، کافر نه شاخ دارد نه سُم، علامت کافر چیست؟ قدرت دیدن حقیقت را ندارد و واقع بین نیست. حالا ممکن است این کافر نمازخوان هم باشد، عبادت کرده؛ اما این عبادت چشم دل او را باز نتوانسته است. نه مثل عرفا که حتی چشم دلشان باز شده است. نه در این حد توقع نداریم؛ اما حداقلش این است که دیگر کور نباشد واقعیت را ببینید تا بتوانیم با هم گفتگو کنیم. می‌فرماید: «اشکال اینها این نیست که چشم سر ندارند بلکه چشم دلشان باز نیست؛ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.»^۲

اگر کسی نماز خواند؛ اما قدرت دیدن واقعیت را به دست نیاورد، بگو نماز خود قضا کند. این چه نمازی است که چشم تو را به واقعیت‌ها باز نمی‌کند؟ امام صادق (ع)

۱ بقره، ۱۷۱.

۲ حج، ۴۶.

فرمودند: «إِنَّمَا شِيعَتُنَا أَصْحَابُ الْأَرْبَعَةِ الْأَعْيُنِ عَيْنَانِ فِي الرَّأْسِ وَ عَيْنَانِ فِي الْقَلْبِ
 أَلَا وَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ كَذَلِكَ إِلَّا أَنْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَحَ أَبْصَارَكُمْ وَ أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ؛
 شیعیان ما دارای چهار چشم هستند: دو چشم در سر و دو چشم در دل. بدانید که
 همه مردمان چنینند جز این که خداوند عزوجل چشمان شما را باز و بینا کرده و
 چشم‌های آنان را کور ساخته است.»^۱ ما دو تا چشم می‌خواهیم برای اینکه جلوی
 پای خودمان را ببینیم، دو تا چشم هم می‌خواهیم واقعیت را ببینیم.

مؤمن چه کسی است؟ کسی است که به شدت واقع بین است. قدرت دیدن
 واقعیت‌ها را دارد. بقیه در توهمند کجا می‌توانند واقعیت‌ها را ببینند؟ با هرکسی
 خواستی بحث سیاسی کنی، اول بین ابزار دیدن واقعیت‌ها را دارد یا نه؟ وگرنه هر
 چقدر بحث کنی قانع نمی‌شود. اول بررسی کن، بین قدرت دیدند واقعیت‌ها را دارد
 یا خیر؟ در قرآن وقتی خدا می‌خواهد کافر را به ما معرفی کند، نمی‌فرماید کافر
 مشکل علمی دارد، می‌فرماید او مشکل قلبی دارد.

هواپرستی، بزرگ‌ترین مانع واقع‌بینی

بزرگ‌ترین مانع، برای دیدن واقعیت چیست؟ هواپرستی. کسی که هواپرست
 شد، هرچقدر هم علم به او بدهی، دیگر نمی‌پذیرد. این آیه در تعلیمات دینی ما
 عجب آیه‌ای است. باید همه جا فراگیر شود حضرت مراحل از دست دادن قدرت
 واقع‌بینی بعضی‌ها را شرح می‌دهد می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ آیا
 ندیدی کسی که هوس‌های خودش را خدای خودش قرار داده؟»^۲ یعنی طبق میل

۱ کافی، ج ۸، ص ۲۱۵.

۲ جائیه، ۲۳.

مبحث اول: واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت □ ۱۷

خودش زندگی می‌کند، هر چه دلش بخواهد به او گوش می‌دهد.^۱ البته این دل خواستنی‌ها، در ادبیات دینی، هوا و هواپرستی نام می‌شود. بعد می‌فرماید می‌دانی خدا با این آدم چه می‌کند؟ با اینکه علم و آگاهی دارد؛ اما با همان آگاهی‌های خودش گمراه می‌شود. فرمود: «وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ؛ خداوند او را با آگاهی گمراه کرده است.»^۲

بعدش جالب‌تر می‌شود. از هواپرستی شروع می‌شود، دیگر علم به دردش نمی‌خورد. می‌رسد به اینکه قدرت دیدن واقعیت‌ها را از دست می‌دهد. می‌شود دانشمند هواپرستی که واقع بین نیست. فرمود: «وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً؛ و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟!»^۳ این دانشمند هواپرستی که واقع بین نیست را نمی‌بینی؟ بعد می‌فرماید: «فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؛ دیگر بعد از خدا چه کسی او را هدایت می‌کند آیا باز هم متذکر نمی‌شوید؟»^۴ خدا دستش را رها کرده است، او رفته دنبال هواپرستی، شما می‌خواهی هدایتش کنی؟ می‌گویند بگذار بحث کنیم.

بحث همیشه نتیجه نمی‌دهد. البته ما باید بحث کنیم، تبیین کنیم؛ اما قلبش یک صفای باطنی بده. بین یک هیئتی با هم بروید. یک نوری به قلبش بتابان، بعد تبیین کن. اصلاً بین صفای باطن دارد؟ حقیقت‌پذیر هست؟ اگر اهل هواپرستی باشد، تو نمی‌توانی برای او واقعیت را نشان دهی. چرا؟ چون او دیگر توان دیدن واقعیت را از دست داده است. امیرالمؤمنین فرمودند: «الْهُوَىٰ شَرِيكُ الْعَمَىٰ؛

۱ علامه طباطبایی (ره): «و معنای گرفتن اله، پرستیدن آن است؛ و مراد از پرستش هم اطاعت کردن است.» (ترجمه

تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶۳)

۲ جائیه، ۲۳.

۳ همان.

۴ همان.

هواپرستی شریک کوری است.»^۱ یعنی اگر کسی هواپرستی کرد، قدرت واقع‌بینی خود را از دست می‌دهد.

شما به جای هواپرستی دنبال حقیقت باشی، واقع بین می‌شوی. یک جامعه اگر هواپرست شد، دیگر واقع بین نخواهد بود. عبادتی که ما را به دیدن واقعیت نرساند، این چه عبادتی است؟ اگر از اعتکاف بیرون آمدیم از ما پرسیدند مهم‌ترین اثر این سه روز عبادت و بندگی چه بود؟ خوشا به سعادت کسانی که می‌گویند واقع‌بینی. چشم دلم برای دیدن واقعیت‌ها باز شد.

واقع بینی یعنی بصیرت

واقع بینی همان بصیرتی است که در متون و منابع دینی آمده است. بصیرت در یک تعریف ساده عبارت است از «دقیق و درست دیدن همه جنبه‌های یک پدیده» و این یعنی دیدن واقعیت‌ها.

واقعیتی به نام گذشته

اگر جامعه‌ای واقع بین شد، دیگر هیچ فریبی نمی‌تواند فرمان جامعه را به بی‌راهه ببرد. ما حداقل سه واقعیت داریم که باید ببینیم، یکی از واقعیت‌ها گذشته که در آن قرار داشتیم. این روش قرآن کریم است که گذشته را دائماً مقابل چشم ما قرار می‌دهد و از گذشته حرف می‌زند. راستی چرا خدا این قدر از گذشته حرف می‌زند؟ چون انسان موجودی است فراموش کار و نفسی دارد فریب کار و دائماً می‌خواهد دسیسه و لاپوشانی کند. خدا دائم آن گذشته را مقابل چشم ما می‌آورد. در آیات متعدد به مسلمانان می‌گوید ببینید در گذشته در چه وضعیت بدی بودید؟ مثلاً در یک آیه می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان

مبحث اول: واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت □ ۱۹

خدا، چنگ بزنید و پراکنده نشوید!». ^۱ وحدت جامعه اسلامی بر محور ولایت است، بعدش می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید!» ^۲ خداوند برای اینکه قدر وضعیت موجود خودشان را بدانند، یک سری به گذشته زد و گذشته را به یاد مسلمانان آورد. آدم‌های واقع‌بین اولاً واقعیت گذشته را دائماً می‌بینند. چرا خدا دائماً ما را به گذشته می‌برد؟ حکمت این همه رفتن به گذشته در قرآن چیست؟ به بلندای گذشته بشریت خدا ما را به گذشته می‌برد. چرا؟ چون دیدن گذشته، راه ساختن آینده است. چون دیدن گذشته راه شکرگزاری وضعیت موجود است.

حالا ما چند تا سریال و فیلم تاریخی، برای نشان دادن گذشته نزدیک و دور نیاز داریم؟ امروز جهان را چگونه سیاستمداران کثیف مدیریت می‌کنند؟ با مدیریت حافظه تاریخی ملت‌ها. آن‌ها تصمیم می‌گیرند که مردم چه چیزی را به یاد داشته باشند و چه چیزی را فراموش کنند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند که چه چیزی را از گذشته به یاد ملت‌ها بیاورند.

ما در گذشته در چه وضعیتی بودیم؟

به جامعه خودمان سری بزنیم. ما واقعیتی داریم به نام گذشته، ما در گذشته در چه وضعیتی بودیم؟ واقع‌بینی را از دیدن واقعیت‌های گذشته شروع کنیم. گاهی اوقات آنقدر حجم تحریف و وارونه کردن واقعیت‌ها بالا است که می‌رسد به آنجا که اصلاً باید جواب بدهیم چرا انقلاب کردیم؟ گاهی آنقدر از گذشته سیاه، سفید نمایی می‌کنند که آدم در عقل مردم دوران انقلاب شک می‌کند؟ اگر ما هیچ

۱ آل عمران، ۱۰۳.

۲ همان.

مشکلی نداشتیم پس چرا انقلاب کردیم؟ همین سؤال ساده برای کشف حقیقت کافی است. ما اگر مشکل نداشتیم، اگر دوره پهلوی گل و بلبل بود، چرا انقلاب کردیم؟ چرا مردم با امام همراهی کردند؟

ما باید نهضتی راه بیندازیم برای واقع‌بینی و زنده کردن حافظه تاریخی مردم خودمان، این روش قرآن است. بخشی از موضوع جهاد تبیین ما همین هست. باید نگذاریم، خانواده و اطرافیان ما و جامعه ما فریب بخورند. دکتر آرتور میلسپو، مشاور تجاری وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در ایران، می‌نویسد: «در سال ۱۹۲۱ میلادی رضاخان پهلوی، فرزند یک دهقان مازندرانی و سرهنگ گارد قزاق که روس‌های تزاری تأسیس کرده بودند، از قزوین به سوی تهران رفت. نخست‌وزیر جدیدی را بر سر کار گذاشت و خودش را فرمانده کل قوا و وزیر جنگ نامید. او به‌زودی این مشاغل را به‌طور دائمی در دست گرفت و به علت قدرت نظامی و ویژگی‌های شخصی‌اش، تبدیل به دیکتاتور بالقوه ایران شد... در مجموع، او در سال‌های پادشاهی خود، کشور را کاملاً دوشید، دهقانان، قبایل و کارگران را خرد کرد و طبقه جدید سرمایه‌دارها، تجار، انحصارگران، پیمانکاران و سیاستمداران وابسته را ثروتمندتر کرد.»^۱

«فوت» نماینده مجلس انگلیس بعد از بازگشت از ایران می‌گوید: «... رضاشاه دزدان و راهزنان را از سر راه‌های ایران برداشت و به افراد ملت خود فهماند که من بعد در سرتاسر ایران فقط یک راهزن بزرگ باید وجود داشته باشد.»^۲ ببینید این‌ها حرف‌های روشن خودشان است از اینکه چنین آدمی را سرکار آوردند. این‌ها تصادفی پادشاه نمی‌شوند. خودشان می‌گویند ما راهزن بزرگ را برای راهزنی سرکار آوردیم. بعد شما باورتان می‌شود همین راهزن بزرگ را تبدیل کردند به یک

۱. آمریکایی‌ها در ایران، دکتر آرتور میلسپو، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۳۳ - ۳۴.

۲ تاریخ ۲۰ ساله ایران، حسین مکی (نماینده مجلس دوران رضاشاه) ج ۶، ص ۱۴۳

مبحث اول: واقع‌بینی مهم‌ترین اثر دنیوی عبادت و معنویت □ ۲۱

مصلح؟! چرا؟ چون می‌دانند که می‌توانند روی فراموشی حافظه تاریخی مردم موج سواری کنند. می‌دانند نسل حاضری که دوران پهلوی را ندیده و فقط اطلاعات پراکنده شنیده، دوران پهلوی بزک شده را از آن‌ها می‌پذیرند.

ما فقط کافی است حافظه تاریخی خودمان را حفظ کنیم، بسیار از حقایق روشن است. گاهی تقویت این حافظه تاریخی با مطالعه است. امیرالمؤمنین فرمودند: «أَيُّ بَنِي إِيْنِي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرُ عُمَرٍ مِنْ كَانِ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَي مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَي آخِرِهِمْ؛ پسر من! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام؛ اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام».^۱ یا امیرالمؤمنین چرا این قدر دقت در گذشته برای شما مهم است؟ الان چند نفر از ما حوصله می‌کنیم تاریخ را مطالعه کنیم مثل امیرالمؤمنین. چرا؟ چون گذشته ما، راه فردای ما را روشن می‌کند. تکلیف امروز ما را مشخص می‌کند. تازه می‌فهمیم انقلاب، ما را از چه منجلا ب و بدبختی نجات داد. البته هر صعودی مشکلاتی دارد. نمی‌شود که ما بخواهیم به قله صعود کنیم، ولی سختی نکشیم؛ اما داریم صعود می‌کنیم. از یک دره بزرگ نجات پیدا کردیم.

پیشنهاد می‌کنم کتاب «جعبه سیاه؛ نگاهی نو به یادداشت‌های امیر اسدالله علم» را بخوانید. خاطرات علم به دلیل برخورداری از انبوه اطلاعات و سرنخ‌هایی که در آن وجود دارد، ارزش مطالعه بالایی دارد، به شرط آنکه از ظاهر عبارات و واژه‌ها عبور کرده و به عمق حقایق نهفته در آن برسیم و پشت صحنه واقعی و عینی آن

۲۲ □ چشم‌ها را باید شست

دوران را ببینیم. از ما واقع‌بینی خواستند. واقعیت گذشته را درست ببینیم، مسیرمان برای ساخت فردای بهتر روشن می‌شود.

مبحث دوم:

دیدن واقعیت‌های زمان خودمان

خیلی باید از خودمان مراقبت کنیم

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خیلی باید از خودمان مراقبت کنیم. ما به صورت طبیعی هم مراقبت دائمی از خودمان داریم. مراقب سلامتی خودمان هستیم، مراقب منافع خودمان هستیم. چرا مراقبت این‌قدر اهمیت دارد؟ چون در زندگی پیرامونی خودمان هم عواملی هستند که همواره ما را تهدید می‌کنند، سیستم مراقبت در وجود ما فعال است تا نگذارد این عوامل تهدید کننده، ضرری به ما وارد کند.

به صورت ناخودآگاه، هر عاملی که ممکن است به ما ضرری بزند، از آن دوری می‌کنیم و مراقبیم که نکند آن عامل سلامتی یا جان ما را تهدید کند. چرا روی ماسک زدن یا واکسن زدن در دوران کرونا آن‌قدر تأکید می‌شد؟ مسئله، مراقبت از سلامتی خودمان بود. پس ما همگی در یک سطح بسیار بالایی، مراقب جیب خودمان، مراقب سلامتی خودمان، مراقب حتی روابط عاطفی خودمان با دیگران هستیم. انسان بدون مراقبت اصلاً نمی‌تواند زندگی کند. زندگی هم طوری طراحی شده که از عوامل تهدید کننده ما پر است و به صورت طبیعی سیستم‌ها و سنسورهای مراقبت در وجود ما حساس و فعال هستند.

ما زحمتهای مراقبت از خود را می‌پذیریم

مراقبت در زندگی ما توأم با زحماتی برای ما است؛ اما هیچ عاقلی مراقبت را به خاطر زحمتهایی که دارد، کنار نمی‌گذارد. مثلاً بستن کمربند، یک مدل مراقبت از خود است. بستن کمربند، کمی سخت است؛ اما کمتر کسی نق می‌زند که چرا کمربند؟ بنابراین هر جا احساس خطر بیشتری کنیم، سطح مراقبت ما افزایش می‌یابد و حتی حاضریم تمام محدودیت‌ها و زحمتهای و حتی هزینه‌های مراقبت را

مبحث دوم: دیدن واقعیت‌های زمان خودمان □ ۲۵

بپردازیم؛ اما مراقبت از خودمان را کنار نمی‌گذاریم. مثلاً به ماشین دزدگیر وصل می‌کنیم که مبادا دزد ماشین را بزند. خلاصه اینکه ما در جریان زندگی دائماً اهل مراقبت از خودمان هستیم؛ زیرا عوامل تهدید کننده ما، فراوان هستند و حتی حاضریم تمام محدودیت‌ها و زحمت‌ها و هزینه‌های مراقبت از خودمان را بپذیریم.

راه‌های مراقبت از واقع‌بینی

این مقدمه را عرض کردم تا به اینجا برسیم. بعد از اینکه در اثر عبادت، چشم دل ما به دیدن واقعیت‌ها باز شد، باید از نگاه خودمان مراقبت کنیم. مبادا واقع‌بینی را از دست بدهیم. همین که واقع‌بین شدی کافی نیست؛ مراقبت از واقع‌بینی هم مهم است.

۱. پای هر رسانه‌ای ننشینیم

مردم و خصوصاً جوانان برای اینکه فریبِ روزنامه‌ها و رسانه‌ها را نخورند، باید بدانند که تیتروهای روزنامه‌ها، حکایت از واقعیت نیست، بلکه حکایت از دید آن‌ها است! روزنامه در اصل، محل انتقال آگاهی به مخاطب نیست، بلکه محل انتقال نگاه روزنامه‌داران به مخاطب است؛ یعنی به تو می‌گوید «این طوری نگاه کن!» تیتروها می‌خواهند زاویه دید خاصی را به مخاطب منتقل کنند.

پای هر رسانه‌ی ننشینیم، هر حرفی را از هر رسانه‌ای نشنویم. چرا؟ بگو من می‌خواهم از نگاه خودم مراقبت کنم. حضرت فرمود: «مَنْ أَصَغَىٰ إِلَيَّ نَاطِقٌ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنَّ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ؛ هر کس به گوینده‌ای گوش سپارد، او را بندگی کرده است. پس اگر گوینده از خدا سخن بگوید، [شنونده] خدا را عبادت کرده است

و اگر گوینده سخنان ابلیسی بگوید، او (شنونده) ابلیس را عبادت کرده است.^۱

بعضی‌ها دائماً ابلیس را عبادت می‌کنند، دائماً بی بی سی گوش می‌دهند. به رسانه‌های ابلیسی که فقط دروغ پراکنی می‌کنند می‌تواند اعتماد کند. به او می‌گویی تو که می‌دانی این رسانه دروغ پراکنی می‌کند. پس چرا اعتماد می‌کنی؟ مسئله را می‌پيچاند. اصل مسئله این است که در اثر استمرار شنیدن، عبد شده است. عبد دیگر از خودش اختیار ندارد.

شبکه‌هایی مثل BBC و VOA، دارند با فیلم‌ها و برنامه‌های‌شان روی نگاه آدم‌ها کار می‌کنند. البته آن‌ها ضعیف هستند و مسئله اول ما، ندیدن ماهواره نیست؛ بلکه می‌گوییم: اگر بنشین پای این برنامه‌ها و ندانی که چطور می‌دارند روی نگاه تو کار می‌کنند، صدمه می‌بینی؛ یعنی همین موجود ضعیف بی‌هنر ناتوان، تو را زمین می‌زند.

بعضی‌ها این قدر سرگرم خواندن یک داستان یا رمان می‌شوند که حواس‌شان نیست چه نگاهی دارد به آن‌ها منتقل می‌شود. شما با داستان سرگرم می‌شوی و حواست نیست که یک نگاهی به شما منتقل می‌شود و شما هم کم‌کم همان‌طور به دنیا نگاه می‌کنی و حتی ممکن است بعد از مدتی به سمت خودکشی بروی!

قرآن می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ».^۲ انسان باید به خوردنی‌های خودش نگاه کند. امام باقر (ع) درباره این آیه توضیح می‌دهند که خوردنی‌ها فقط آن چیزهایی که از راه دهان وارد می‌شود، نیست. از راه گوش هم آنچه می‌شنوی، جزء خوردنی‌ها است. از راه چشم هم آنچه می‌بینی، جزء خوردنی‌ها است. از حضرت درباره این آیه قرآن که آدم باید به خوراک خودش نگاه کند، پرسیدند. فرمود:

۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۸

۲ عبس، ۲۴.

مبحث دوم: دیدن واقعیت‌های زمان خودمان □ ۲۷

«یعنی انسان ببیند از چه کسی آگاهی خودش را دریافت می‌کند؛ فِی قَوْلِ اللَّهِ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ قَالَ قُلْتُ مَا طَعَامُهُ قَالَ عَلِمَهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ مِمَّنْ يَأْخُذُهُ»^۱

۲. با هر کسی نشست و برخاست نکنیم

یک راه دیگر برای مراقبت از نگاه، این است که با هر کسی نشست و برخاست نکنیم. می‌فرماید: «وَقَدْ نَزَلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيَسْتَهْزِئُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ؛ وَخَدَاوَنَد (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آن‌ها نشینید تا به سخن دیگری بپردازند!»^۲ حالا چرا خدایا با این‌ها نشست برخاست نکنیم؟ در ادامه آیه می‌فرماید: «إِنكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ؛ شما هم مثل آنان خواهید بود.»^۳

هرکسی هرچیزی گفت، پیش خودت بگو: «او معمولاً مسائل را با این زاویه نگاه می‌کند. من باید حواسم باشد!» یعنی سخن او را از فیلتر منظر نگاه خودت - که إن شاء الله صحیح است - عبور بده! اگر درباره یک واقعیت یا اتفاق، می‌خواهی خبری از کسی بگیری، ببین آیا نگاه آن فرد، درست است؟ اگر نگاهش درست نباشد، در خبر مربوط به آن اتفاق، دست می‌برد؛ مثلاً بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی می‌کند.

اینکه می‌بینید بعضی از انقلابی‌ها بعد از چندوقت غیرانقلابی می‌شوند، یا کلاً ضدانقلاب می‌شوند، به دلیل سبک نگاه غلط او است. اگر کسی بر اساس یک نگاه درست، انقلابی بشود، این خیلی خوب است، ولی اگر زاویه دیدش در خیلی از

۱ محاسن، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲ نساء، ۱۴۰.

۳ همان.

مسائل، درست نباشد، حتی اگر الان-ظاهراً- خیلی انقلابی باشد، بعداً از قطار انقلاب پیاده خواهد شد.^۱

۳. انس با قرآن

یکی دیگر از راه‌های خوب برای مراقبت از نگاه و واقع‌بینی خودمان قرآن خواندن است. قرآن کریم، شبیه کتاب‌های علمی نیست؛ کتاب «بصیرت» است و با شیوه خاصی طراحی شده است تا طرز نگاه ما را تنظیم کند. قرآن وقتی خودش را معرفی می‌کند می‌فرماید: «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ»^۲ یعنی این قرآن برای مردم بصائر است. جای دیگر می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا»^۳ قرآن بصائری است که از جانب خدا نازل شده است. بصائر، جمع نگاه‌هایی است که انسان می‌تواند داشته باشد. بصیرت یعنی درست نگاه کردن به پدیده‌ها. اینکه می‌فرماید «قرآن، بصائر است» یعنی قرآن، انسان را طوری بار می‌آورد که به پدیده‌ها درست نگاه کند.

قرآن کتابی نیست که آن را یاد بگیریم، امتحانش را بدهیم و کنار بگذاریم! یکی از دلایلی که می‌فرمایند «قرآن را باید دائماً خواند» این است که نگاه قرآن به ما منتقل شود. به گفته محافظ حضرت امام (ره) ایشان روزی ۱۲ مرتبه قرآن می‌خواند. اگر کسی می‌خواهد نگاه قرآن به او منتقل شود، باید به این روش قرآن بخواند و الا برای انتقال اطلاعات، یک‌بار خواندن هم کافی است.

قرآن قلب انسان را تکان می‌دهد. اگر قرآن روی ما تأثیر بگذارد، سبک نگاه خدا به ما منتقل می‌شود! نگاه قرآنی، زاویه دید انسان را به مشکلات زندگی تغییر می‌دهد و روحیات انسان را عوض می‌کند.

۱ زاویه دید، علیرضا پناهیان.

۲ جائیه، ۲۰.

۳ انعام، ۱۰۴.

قدم دوم برای واقع‌بینی، دیدن واقعیت‌های زمان خودمان است

پس مراقبت از واقع‌بینی هم بعد از دیدن واقعیت‌ها مهم و اساسی است. قدم اول واقع‌بینی دیدن گذشته بود و سر زدن به گذشته که شیوه قرآن است که ما را به گذشته می‌برد؛ اما قدم دیگری برای واقع‌بینی، دین واقعیت‌های زمانی است که در آن زندگی می‌کنیم. چیزی که الان به آن زمان‌شناسی می‌گویند. واقعیت‌های زمانه را چه کسی درست می‌بیند؟ چه کسی واقعیت‌های زمانه را درست نمی‌بیند؟ مسئله این است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ»^۱ عاقل باید عارف به زمانش باشد، عرفان با علم خیلی فرق می‌کند؛ به یک علم عمیق، به یک علمی که طرف انگار شهود کرده است می‌گویند عرفان. عاقل باید عارف به زمان خودش باشد.

در جای دیگری امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»^۲ کسی که به زمان خودش آگاه باشد پراشتباه نخواهد بود، اشتباهات به او هجوم نمی‌برند؛ یعنی کسی که زمان خودش را نشناسد، پر از اشتباه می‌شود؛ یعنی اشتباهش یکی و دوتا نیست. باز قدم بعدی، باز قدم بعدی دچار اشتباه می‌شود، مثل این راننده‌های ناشی مدام به در و دیوار می‌کوبد!

أمیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحَدَاتِهِ»^۳ چه کسی از همه عارف‌تر به زمان است؟ چون این شناخت زمان، درجه‌بندی دارد و همه به این درجه نمی‌رسند. می‌فرماید: عارف‌ترین آدم‌ها به زمان

۱ کافی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲ کافی/ج ۱/ص ۲۷

۳ غرر، ح ۳۲۵۲

کسی است که تعجب نمی‌کند چون همه‌چیز برایش قابل پیش‌بینی بوده است. چرا تو اصلاً در حوادث روزگار تکان نمی‌خوری! چون من زمان خودم را می‌شناسم و می‌دانم که مسیر زمان این است.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيْرًا بِزَمَانِهِ»^۱ عاقل باید نسبت به زمانش بصیر باشد. بصیر به زمان یعنی کسی که دربارهٔ زمان، دید دارد، تحلیل دارد. بعضی‌ها چشم دارند و می‌بینند؛ اما بصیرت ندارند. مثلاً دربارهٔ مسائل و مشکلات زمان ما، چه کسانی مشکلات را می‌بینند و چه کسانی دربارهٔ مشکلات، دید درست و تحلیل درست دارند؟^۲

امروز چه چیزی را ببینیم؟

۱. دیدن دشمنی‌ها

ما حداقل باید دو واقعیت، زمانهٔ خودمان را ببینیم. یکی دیدن دشمنی‌های دشمن و دیگری دیدن دستاوردهای انقلاب اسلامی، وگرنه در دیدن واقعیت‌های زمان خودمان دچار خطاها و اشتباه‌های بزرگ خواهیم شد. امروز دشمن ما، دشمن منافع ما، در چند جبهه مشغول فعالیت است. یکی تحریف واقعیت گذشته که جلسه گذشته قدری دربارهٔ آن گفتگو کردیم. چطور سیاه را سفیدنمایی می‌کند و سفید را سیاه‌نمایی. فعالیت دومی که دشمن می‌کند برای اینکه ما را از واقعیت دور نگه دارد، این است که همهٔ مردم مشکلات را از چشم دولت و انقلاب اسلامی ببینند، برای تغییر وضعیت موجود، راهی نیست جز تغییر حکومت. این آخرین نگاهی است که دشمن می‌خواهد به وضع موجود بیندازیم در حالی که نه همهٔ مشکلات از دولت هست و نه اینکه تنها راه حل مشکلات تغییر حکومت است.

۱ خصال، ج ۲، ص ۵۲۵.

۲ مختصات زمان ما و آینده‌ای که تا ظهور در پیش داریم، علیرضا پناهیان،

اقتصاد، معادلهٔ چند مجهوله

مسئله اینجا است که مشکلات اقتصادی که در کشور وجود دارد، یک معادلهٔ چند مجهوله است؛ یعنی شما برای حل مسئله اقتصاد، چند تا موضوع را باید حل کنی. یک طرف ماجرا، تغییر قوانین است، کشور ما جز کشورهایی است که گاهی قوانین اضافی، مانع کسب و کار و رونق اقتصادی است. یک طرف ماجرا، قوه قضائیه است که باید با رانت و این طور مسائل مبارزه کند، یک طرف ماجرا عزم جدی دولت‌مردانی است که باور به اقتصاد مقاومتی داشته باشند. بخشی از مشکلات ما اصلاً داخلی نیست، بلکه جهانی است همهٔ جهان درگیر مشکلی به نام گرانی و تورم هستند. حتی کشورهای که سال‌ها تورم را مدیریت کردند، الآن در بحران قرار گرفته‌اند؛ مثل فرانسه و انگلستان. البته بخش اعظمی از مدیریت کشور در این سال‌های بعد از انقلاب اسلامی دست کسانی بوده است که معتقد بودند که با مذاکره مشکلات را حل می‌کنند و هر بار که چراغ سبز به غرب نشان دادند، تحریم‌ها و مشکلات فزاینده‌تر شد. این چند مسئله در کنار هم یک طرف ماجراست؛ اما طرف دیگر ماجرا، نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد است. ما برای حل مشکلات اقتصادی راه‌حل داریم، آن راه‌حل اسمش اقتصاد مقاومتی است، یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی، مردمی شدن اقتصاد است.

نقش مردم در اقتصاد

اگر مهم‌ترین اثر جهانی انقلاب اسلامی، برهم زدن معادلهٔ قدرت جهان است و تا شما قدرت نداشته باشی نمی‌توانی این معادلهٔ قدرت را برهم بزنی، حالا این قدرت انقلاب اسلامی، از کجا آمده است؟ قدرت انقلاب اسلامی برآمده از قدرت شما مردم است. تجربه تاریخی ما، یک دلیل روشن و بی‌نقص و کامل است که هر جا در مشکلات این کشور، کار مردمی شد، موفق شدیم. مقام معظم رهبری (زیدعزه) در سخنرانی خودشان با مردم قم خطاب به مسئولین فرمودند: مسئولین! «مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ این یک؛

و برای این هم که از ظرفیت‌های مردمی هم در عمل چگونه بایستی استفاده کرد، ساز و کار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند.»^۱

ما انقلاب کردیم، نظام طاغوتی را تبدیل به نظام ولایی کردیم، حالا باید انقلابی دیگر کنیم برای انقلاب؛ یعنی مردم به پا خیزند و به جای اینکه منتظر باشند که دولت مشکلات آن‌ها را حل کند، خودشان با یک زندگی جمعی، مشکلات معیشتی خودشان را حل کنند. این تنها راه حل برون رفت از مشکلات امروز ما است.

تجربه موفقیت در جنگ جهانی ۸ ساله با نقش آفرینی مردم

بدترین وضعیتی که کشور ما تجربه کرده، دوران جنگ است؛ یعنی زمانی بدتر از زمان جنگ نداشتیم. نه تنها امنیت ما در خطر بود، اقتصاد ما هم هنوز سرپا نشده بود؛ اما چطور بحران جنگ را با موفقیت سپری کردیم؟ مردم با گوشت و پوست و خون خودشان معنای جنگ را فهمیدند؛ اما چطور در این جنگ موفق شدیم؟ آمریکا را شکست دهیم؟ بلکه جهان را شکست دهیم؟ ما از ۱۵ ملت اسیر گرفتیم،^۲ جنگ فقط جنگ با عراق نبود، جنگ جهانی بود؛ اما چطور این جنگ جهانی را انقلاب ما پیروز شد؟ با قدرت مردم، با مشارکت حداکثری مردم، از نان بگیر تا جان. مردم همه چیز خودشان را به میدان آوردند، امروز چرا نتوانیم با قدرت مردم، مشکلات اقتصادی خودمان را حل کنیم؟ این تجربه موفق ما است از حل بزرگ‌ترین مسئله این کشور به دست و بازوی توانمند مردم.

امام (ره): حضور مردم، یک معجزه است!

امام (ره) فرمودند: «ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد؛ و این

۱۹/۱۰/۱۴۰۰ بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم.

۲ خبرگزاری تنسیم، خبر شماره: ۱۵۱۰۲۱۲.

مبحث دوم: دیدن واقعیت‌های زمان خودمان □ ۳۳

یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند، خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرموده است.^۱

امروز هم مشکلات بدون نقش‌آفرینی مردم، حتی با بهترین دولت‌ها، امکان حل شدن ندارد. حالا مردم چگونه می‌توانند در اقتصاد نقش‌آفرینی کنند؟ یکی از کارهای اساسی برای مردمی شدن اقتصاد، راه‌اندازی و رونق تعاونی‌ها است. اگر ما مردم تصمیم بگیریم، به جای مدل معیشتی و زندگی بانکی را تبدیل کنیم به مدل معیشتی و زندگی تعاونی، می‌دانید چقدر از مشکلات اقتصادی ما مردم حل خواهد شد؟

تغییر مدل معیشتی مردم از بانک‌محوری به تعاونی‌محوری

می‌دانید اگر اقتصاد ما تعاونی‌محور شود نه بانک‌محور، چه اتفاق بزرگی می‌افتد؟ مقام معظم رهبری سال‌ها پیش فرمودند: «بارها این را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام که نقطه بن‌بست شکن‌مان، عبارت است از ایجاد اشتغال، آن هم از منابع نو و «تعاون» می‌تواند یک بازوی قوی در این راه باشد. اعتقاد این است که اگر بخواهیم تعاون جایگاه خودش را از لحاظ اقتصادی، به‌خصوص در وضع کنونی کشور پیدا کند، بایستی ما حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی، رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم، یعنی هدف را باید ده برابر این قرار داد. من وقتی در وضع کشور خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم یکی از چیزهایی که می‌تواند جلوی این بی‌عدالتی را به شکل منطقی و اصولی سد کند، همین کار تعاونی است. به همین خاطر است که من به تعاون اعتقاد دارم، نه از باب این است که دنیا تعاون را پذیرفته، یا فرضاً فلان کشورها تعاون می‌کنند...؛ از این باب است که من می‌بینم در این وضعی که متأسفانه گرفتارش هستیم، تعاون در کشور ما می‌تواند سرانگشت گره‌گشایی باشد. ده فیلم داستانی شیرین کوتاه ده دقیقه‌ای در

زمینه تعاون درست کنید تا هر جوانی وقتی که نگاه کرد، تشویق و ترغیب بشود. نظر من، یکی از راه حل‌ها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام بگیرد، «تعاون» است. این یک بعد قضیه است و خوشبختانه بعد دیگر قضیه هم این است که همین تعاون می‌تواند کشور را - به خصوص امروز - از لحاظ اقتصادی هم نجات بدهد.^۱

الان در جهان تعاونی‌ها رشد کرده‌اند، چقدر طرفدار پیدا کرده است. یکی از تعاونی‌های موفق در انگلستان و از یک سری مقررات مخصوص پیروی می‌کرد و الگوی عملی و تجربی تشکیل تعاونی در کشورهای گوناگون قرار گرفت، «تعاونی مصرف پیشگامان منصف راجدایل بود» این تعاونی در سال ۱۸۴۴ در راجدایل، محل نزدیکی شهر منچستر انگلستان دایر شد و از آن تاریخ تا کنون، تعاونی‌های بسیاری در جهان تأسیس شده است و ۸۰۰ میلیون عضو دارد.^۲

تعاونی فامیلی یا مسجدی یا هیئتی راه بیندازید!

تعاونی فامیلی می‌خواهید راه بیندازید بسم الله...؛ تعاونی مسجد محل خودتان را می‌خواهید راه بیندازید بسم الله...، تعاونی هیئت می‌خواهید راه بیندازید بسم الله... تعاونی تعاونی تعاونی. فرمود: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى».^۳ اگر به همین آیه در معیشت و اقتصاد عمل کنیم، تمام مشکلات امروز را به فضل الهی از پیش رو خواهیم برداشت.

۲. دیدن دستاوردها با همه دشمنی‌ها

پس قدم اول برای دیدن واقعیت زمانه خودمان، دیدن دشمنی‌ها است؛ اما راه دوم دیدن دستاوردهای که انقلاب اسلامی است، علی‌رغم این همه دشمنی‌های

۱ گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در مشهد، یکم فروردین ماه ۱۳۹۰

۲ مقاله/ اقتصاد تعاونی در اسلام: غلام رضا سرآبادنی.

۳ مانده، ۲.

که با آن شده است. نخست‌وزیر سابق ایتالیا که دکتری اقتصاد و نظریه پرداز توسعه است. مدت‌ها پیش به تهران آمد و با آقای سعید جلیلی ملاقات کرد. او می‌گفت: «سی سال است که مسائل ایران را دنبال می‌کنم و می‌بینم کشور شما در چه وضعیتی است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که شما فقط مقاومت نکرده‌اید، پیشرفت هم کرده‌اید.» این فقط حرف پرودی نبود. این تعابیر را سران بعضی از کشورهای اروپایی هم در دیدارهای خود به صراحت بیان می‌کردند. گاهی هم می‌گفتند: «اگر فشاری که به شما وارد می‌شود، به دولت ما وارد می‌شد، شش ماه هم نمی‌توانستیم دوام بیاوریم. شما سال‌هاست که هم مقاومت می‌کنید و هم پیشرفت.»^۱

در همین مسئله زن که فتنه ۱۴۰۱ با محوریت هجمه به زن ایرانی اسلامی بود. ما چقدر واقعیت‌های درستی از زنی که در انقلاب اسلامی زندگی می‌کند، به جهان منتقل کردیم. گاهی ما مثل ماهی که وسط آب است و دائماً می‌گوید آب، اصلاً حواسمان نیست که اصل این شعار «زن، زندگی، آزادی» در انقلاب اسلامی چطور محقق شد. چرا باید آن‌ها علم آزادی زن را بردارند؟

زن در دوران پهلوی و دوران ما

صدراالاشراف از مقامات رژیم پهلوی می‌گوید: «به خانه رفتم و از همسرم خواستم تا بدون حجاب در مراسم جشن کشف حجاب شرکت کند. او در مقابل از من خواست که به جای این کار طلاقش دهم. چند روزی گذشت و جشن کشف حجاب را برگزار نکردم. رضاخان پیش من آمد و گفت چرا این کار را انجام نمی‌دهی و من گفتم بهتر نیست این کار را از رده‌های پایین‌تر شروع کنید. رضاخان گفت نه وقتی که تو از انجام این کار امتناع می‌کنی آن‌ها هم به طبع از انجام آن سر

۱ امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، گردآوری و تدوین میلاد حبیبی و

باز خواهند زد. به خانه رفتم و به همسرم گفتم پای مرگ و زندگی در میان است و تو باید فردا بدون داشتن حجاب در مراسم شرکت کنی. همسر و دخترانم بدون حجاب در مراسم جشن شرکت کردند؛ اما از روز بعد از آن همسر در خانه در بستر بیماری افتاد و تا یک‌سال بعد که جنازه‌اش از خانه خارج شد، پا از خانه بیرون نگذاشت.^۱ زن در دوران پهلوی این طوری بود.

مینو صمیمی، منشی فرح دیبا، می‌گوید: «موقعی که می‌شنیدم ما در کشور از آزادی حق رأی برای انتخاب وکلای مجلس برخورداریم یا می‌گفتند زنان با استفاده از آزادی اعطا شده می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، بلافاصله این سؤال به ذهنم می‌آمد که اصولاً وقتی ساواک همه نمایندگان مجلس را برمی‌گزیند، چگونه امکان دارد کسی مسئله وجود آزادی حق رأی را باور داشته باشد؟»^۲ این جمله از روی دیگر سکه‌ای است که محمدرضا پهلوی در کتاب انقلاب سفید، در وصف اعطای حق رأی به زنان بیان می‌کند.^۳

سربازی زنان ایرانی در دوره پهلوی

عجیب‌ترین مسئله در مورد زنان، سربازی زنان ایرانی در دوره پهلوی است. این طرح که «سپاه دانش» نام گرفت، به صورتی بود که زنان و دخترانی که در دانشگاه قبول نمی‌شدند (بیش از ۶۰٪ دختران آن زمان) پس از گذراندن ۴ ماه دوره آموزشی، در دوره‌های زمانی کوتاه و بلند به شهرها و روستاهای کشور اعزام می‌شدند و به کودکان و مردم آنجا تدریس می‌کردند.

برگزاری جشنواره‌های مد و پوشاک با این هدف که دختران زیبا به عنوان الگو به دختران جامعه معرفی شوند، از دیگر ویژگی‌های عصر پهلوی است. همسر شاه

۱ روزنامه کیهان، ۸۹/۱۰/۱۹.

۲ آزادی انتخابات به سبک پهلوی؛ <http://www.irdc.ir/fa/news/5500>

۳ خوانشی از جایگاه زنان در دوره حکومت پهلوی دوم در آینه اسناد و تحلیل‌ها،

مبحث دوم: دیدن واقعیت‌های زمان خودمان □ ۳۷

(فرح) از جمله افرادی بود که این مراسمات را هماهنگ می‌کرد؛ اما درباریان برای این دختران کلاس‌های مُد تشکیل داده و آن‌ها مجبور به پوشیدن لباس فرم خاص (کت و دامن) بودند. غرض حکومت پهلوی تغییر فرهنگ بومی و جایگزین کردن این پوشش به جای پوشش‌های محلی بود.^۱

زن در انقلاب اسلامی به کجا رسیده است؟

شما بروید کتاب «یک ون شبهه» را مطالعه کنید؛ از این دست اخبار در دوران پهلوی فراوان است؛ اما در انقلاب اسلامی، زن ایرانی اسلامی به کجا و به چه کرامتی رسید؟

در بحث آموزش زنان، به گزارش انجمن جهانی اقتصاد، ما در برابر حق تحصیل دختر و پسر و عدالت آموزشی در دنیا رتبه^۲ ۱ را داریم. نسبت دختران در کل دانشجویان، از حدود ۲۵ درصد در دهه^۳ ۵۰، به ۵۰ درصد رسیده است.^۳

در بحث ورزش بانوان، فقط یک مورد را بگویم و آن اینکه مدال‌های کسب شده در رویدادهای بین‌المللی توسط بانوان از ۲ مورد در ابتدای انقلاب به بیش از ۸۰۰ مورد رسیده است.^۴ در بحث پزشکی، تعداد پزشک بانوان، بعد از انقلاب، فوق تخصص مردان ۳ برابر شده است؛ اما فوق تخصص زنان، ۱۲ برابر شده است. این‌ها دستاورد نیست پس چیست؟ این‌ها واقعیت‌های زمانه ما نسبت به زن است. بعد در غرب چه بلایی سر زن آورده شده همین حالا.

بعد از یک قرن آزادی زنان، وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا گزارش می‌دهد که از هر ۵ زن آمریکایی بیش از ۱ نفر، در طول زندگی خود به بیماری

۱ تبیان، آیا زنان در دوره پهلوی آزاد بودند؟

۲ یک ون شبهه، ص ۲۵.

۳ همان.

۴ همان.

روانی مبتلا می‌شود.^۱ یکی از بزرگترین ظلم‌ها به زنان در غرب این است که زن به عنوان نیروی ارزان قیمت وارد بازار کار شد و کار به جایی رسید که الان سرپرست نیمی از خانواده‌های آمریکایی، زنان هستند؛ یعنی تأمین مالی زندگی بر دوش آن‌ها است.^۲

این‌ها واقعیت‌های زمانه ما است که گاهی اوقات حتی اجازه نمی‌دهند ما بشنویم چه برسد که باور کنیم. امیدوارم با مراقبت از نگاه خودمان، بتوانیم واقعیت‌های زمانه خودمان را بهتر و بیشتر ببینیم و هرگز از واقع‌بینی فاصله نگیریم.

نگاه والا و بالای اسلام به زن

ریشه جایگاه والای زن در انقلاب اسلامی، به نگاه والا و بالای زن در اسلام، برمی‌گردد. نگاه حداقلی به زن در بسیاری از مکاتب انسانی این است که او را مساوی با خدمتکار ببیند. در حالی که اسلام این نگاه را رد کرده است. فرمود: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ زن، گل است نه خدمتکار».^۳ البته خانم خانه، به خاطر عشق به خانواده و همسرش در خانه ممکن است خدماتی را نیز انجام بدهد؛ اما هیچ‌گاه خانواده حق ندارد او را به چشم خدمتکار نگاه کنند، یا مردم او را خدمتکار بدانند.

خانم فریده مصطفوی دختر حضرت امام می‌گوید: «هیچ وقت ما ندیدیم ایشان به خانم بگویند فلان کار را برای من انجام بده یا حتی یک چای برای من بریزد. همیشه ما یا کارگر منزل را خطاب می‌کردند. اگر یک وقت هیچ‌کس نبود، صدا می‌زدند: خانم! بگوئید یک چای برای من بیاورند».^۴

۱ همان.

۲ همان.

۳ کافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

۴ پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۷.

مبحث دوم: دیدن واقعیت‌های زمان خودمان □ ۳۹

عروس حضرت امام نقل می‌کند: «امام کاری را به خانم نمی‌دادند، خانم می‌گویند وقتی یک دکمه پیراهنشان می‌افتاد، می‌گفتند: می‌شود این را بدهید بدوزند. نمی‌گفتند: خودت بدوز یا احیاناً اگر روز بعد دوخته نشده بود، نمی‌گفتند: چرا ندوخته‌اید؟ می‌گفتند: کسی نبود بیاید بدوزد. تا آخر عمرشان هیچ وقت به خانم نگفتند یک لیوان آب بده.»^۱

این نگاه والا و بالای حضرت امام به شخصیت زن بود. از نظر شرعی هم به فتوای امام خمینی (ره) انجام هیچ یک از کارهای منزل، برای زنان واجب شرعی نیست و مرد در این باره و نسبت به این امور حق فرمان به زن ندارد.^۲

البته خانمی که یک لیون آب دست شوهرش بدهد خدا می‌داند چقدر ثواب و نورانیت می‌برد. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «أَيُّمَا امْرَأَةً رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَاحِبًا، نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا، وَ مِنْ نَظَرِ اللَّهِ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ؛ هر زنی که در خانه شوهر خود، به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جا به جا کند، خداوند عز و جل به او نظر [لطف] می‌کند و خدا به هر کس نظر [لطف] کند، عذابش نمی‌دهد.»^۳

پس زن خدمتکار نیست و اهل خانه نباید به مادر به چشم خدمتکار نگاه کنند؛ اما اگر خانمی در خانه از سر عشق و محبت به خانواده خدمت کرد، خدا بی‌حد و عدد او را مورد لطف قرار می‌دهد. نگاه اسلام به بانوان نگاه ظریف و بسیار معنا داری است. زن در متون روایی ما که همان نگاه اسلام است، به گل تشبیه شده است. ظرافت و زیبایی گل و نشاطبخشی آن به اطرافیان یک طرف، ولی نگاه دیگران

۱ پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۷.

۲ پرتال امام خمینی، انجام کارهای منزل بر دوش چه کسی است؟ به فتوای امام ره وظیفه شرعی زن است یا شوهر؟

۳ الأُمالی للصدوق: ص ۴۹۶ ح ۶۷۸.

و اطرافیان به این گل هزار طرف! چقدر باید مراقب این گل بود! چقدر گل را باید دوست داشت و به آن احترام کرد! عالی‌ترین مراتب انسانی را یک بانو در اوج می‌تواند سپری کند. در یک آیه زن و مرد را هم‌دوش همدیگر در مقامات معنوی ذکر می‌کند و می‌فرماید:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم کرده است.^۱

زن سرچشمه قدرت در جامعه

سرچشمه قدرت، در جامعه زنان هستند. زمانی که زنان، ضعیف شوند، جامعه ضعیف خواهد شد. یکی از ابزار قدرت زن، حجاب اوست. کم شدن حجاب، موجب تحلیل انرژی و قدرت زن می‌شود و زن را موجودی منفعل می‌کند. حجاب قدرت جامعه را افزایش می‌دهد و مادری که می‌تواند حجاب را به سهولت و باعلاقه نگه دارد، قدرت روحی خود را به فرزندان و مرد خود به نمایش می‌گذارد و منتقل می‌کند. زنی که قدرت روحی داشته باشد، زمانی که همسرش به

مبحث دوم: دیدن واقعیت‌های زمان خودمان □ ۴۱

منزل با کوهی از مشکلات وارد می‌شود، با یک جمله «نگران نباش، آرام باش» می‌تواند تمام بار خستگی از مشکلات را از دوش او بردارد.

مبحث سوم:

دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده

اولین اثر دینداری، واقع‌بینی است. اگر از من و شما بپرسند که چرا شما دینداری می‌کنید؟ بگو می‌خواهم واقع‌بین باشم. از شدت واقع‌بینی، عبادت و دینداری را رها نمی‌کنم. بگو نمی‌خواهم قدرت دیدن واقعیت‌ها را از دست بدهم. اگر عبادت مرا به واقع‌بینی نرساند، پس باید در عبادت خودم تجدید نظر کنم.

چشم بصیرتی که از نان شب واجب‌تر است

عرفا یک تعبیر دارند که زیاد شنیدیم؛ می‌گویند چشم بصیرت. حالا این چشم بصیرت نمی‌دانم به چه کار می‌آید؟ مثلاً باطن مردم را ببینند، یا آینده طرف را می‌بینند، امام صادق (ع)، می‌فرمایند: «پیغمبر نماز صبح را خواندند، یک وقتی جوانی را دیدند در مسجد چرت می‌زند، چشمانش از بس نخوابیده گود افتاده است، پیغمبر دیدند جوان حال خوشی دارد از او احوال‌پرسی معنوی کردند. فرمودند: «كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا فُلَانُ؛ چه خبر؟» گفت: «أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِنًا؛ یا رسول الله به یقین رسیدم». حضرت از این جوان خوشش آمد و فرمود: «علامت رسیدن

به یقینیت چیست؟» گفت: «گویا می‌بینیم که اهل بهشت و جهنم در چه حالی هستند؟» پیغمبر فرمود: «هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛ این بنده‌ای است که خدا دلش را با نور ایمان روشن کرده است.» گفت: «دعا کنید با شما شهید شوم؛ ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ أُرْزَقَ الشَّهَادَةَ مَعَكَ» پیغمبر برایش دعا کرد، جنگ بعدی شهید شد.^۱

خب یک جوان به این حد و اندازه رسیده که چشم بصیرت این طوری پیدا کرده است؛ اما اگر چنین چشم بصیرت نداشتی، باطن مردم را ببینی خدا تو را به جهنم نمی‌رود؛ اما اگر چشم بصیرت نداشتی که واقعیت‌های گذشته و زمان حال خودت را ببینی، مثل آب خوردن با تمام خوبی‌ها می‌روی به جهنم. مگر کم نبود کسانی که قدرت دیدن واقعیت‌های زمانه خودشان را نداشتند و عاقبت به شر شدند. در همین انقلاب ما، کم نبودند انقلابیونی که آخرش از قطار انقلاب پیاده شدند. پس این چشم بصیرت از آن چشم بصیرت‌هایی است که اگر نداشته باشی، آخرش کله پا می‌شوی. این چشم بصیرتی است که از نان شب واجب‌تر است.

شرط بودن در مسیر ولایت

امیر بیان، مولای متقیان، در گرماگرم جنگ فرمود: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ»^۲ کسی نمی‌تواند این پرچم را برافراشته کند، مگر اینکه اهل بصیرت و اهل صبر باشد. اهل بصیرت، یعنی قدرت دیدن واقعیت‌ها، یعنی واقع‌بین باشد. تو برای اینکه بتوانی زیر پرچم امیرالمؤمنین بمانی، نیاز داری به این واقع‌بین باشی وگرنه نمی‌توانی کم می‌آوری. کوتاه می‌آیی. چه کسی در مسیر ولایتمداری صبر و مقاومت می‌کند؟ کسی که اول واقع‌بین است. چشم بصیرت دارد؛ یعنی چشم دیدن واقعیت‌ها را دارد. گاهی این واقعیت‌ها مربوط به گذشته است، گاهی مربوط

۱ کافی، ج ۲، ص ۵۳.

۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

مبحث سوم: دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده □ ۴۵

به زمانه خودمان است؛ اما مدل سوم واقعیت‌ها، واقعیت‌های دور است؛ یعنی آینده نگری. قدرت دیدن آینده، این نوع واقع‌بینی برای همه مؤمنین اتفاق نمی‌افتد.

امروز در جهان اندیشکده‌هایی وجود دارد که روی مسئله آینده کار می‌کنند. اصولی را استخراج می‌کنند برای فهم مسیر آینده، این یعنی موضوع، برای همه اهمیت دارد.

نقش عقل در دیدن واقعیت‌های دور و آینده

همه ما علاقمندیم از آینده مطلع شویم و آینده را ببینیم، حتی گاهی حاضریم پول بدهیم به رمال و فالگیر، تا یک گوشه از آینده را به ما نشان دهد. در حالی که دیدن واقعیت‌های دوری مثل آینده، با رمال و فالگیر نیست. یکی از بهترین راه‌ها برای دیدن آینده، عقل است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْأَعْوَابِ»^۱ عاقل‌ترین انسان‌ها کسانی هستند که عاقبت‌ها را نگاه می‌کنند.

امام (ره)، از شدت عقلانیتش، آنقدر خوب آینده را می‌دید و تحلیل می‌کرد. در شرایطی که هیچ‌کسی امید به پیروزی انقلاب اسلامی نداشت، می‌فرمود این انقلاب پیروز می‌شود. خب امام (ره) از کجا می‌دید؟ عقل امام او را به دیدن واقعیت‌های آینده می‌رساند. جدای از عقل، قرآن، نقشه راه آینده ما است. هرکسی با قرآن انس بگیرد، قدرت دیدن آینده را پیدا می‌کند. حالا چه چیزی از آینده را ببینیم؟

چه چیزی از آینده را ببینیم؟

۱. دیدن شکستن تمدن پوسیده غرب

در قرآن کریم، دائماً دو مسئله اساسی نسبت به آینده گوشزد می‌شود. انگار قرآن

می‌خواهد نگاه ما را به آینده باز کند. یک مسئله اینکه در آینده، نقطه مقابل و حقیقت ضعیف و نابود می‌شود. می‌فرماید: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ یقیناً باطل نابود شدنی است»^۱ این واقعیت پیش روی ما است. اگر غرب‌زدگان جلوی چشم مردم ما را نگیرند، این واقعیت همین الان هم دیدنی است.

صدای شکستن استخوان‌های نظام سلطه در غرب شنیده می‌شود. فرانسه را ببین، انگلستان را ببین؛ زیادی هم لازم نیست دین و ایمان داشته باشیم. این یک واقعیت است فقط کافی است این فروپاشی را ببینی. بعضی‌ها نمی‌خواهند این واقعیت‌ها را بپذیرند، مگر کوری نمی‌بینی مال اینجاست. اصلاً شأن نزولش برای کسانی است که چشمان خودشان را روی حقیقت بسته‌اند. چشم‌ها را باز کن، چشم‌ها را باید شست.

فوکویاما نظریه‌پرداز معروف، یک روزی در کتاب خود با عنوان «پایان تاریخ و آخرین انسان» می‌گفت دموکراسی و نظامی که الان در جهان حاکم است، آخرین حرف بشریت است؛ اما امروز چه می‌گوید؟ او می‌گوید: «بهتر است آمریکا با توجه به واقعیت‌های جدید جهانی و وضعیت نامناسب خود، بپذیرد که دیگر هژمون و ابرقدرت اصلی جهان نیست.»^۲

مقام معظم رهبری چقدر هوشمندانه فرمودند: «علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می‌کند، نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد. نقش ما، ما ایرانی‌ها جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟ این سؤال مهم است. نمی‌شود به دقت گفت که نظم این چینی است؛ اما می‌شود یک خطوطی را ترسیم کرد، یک خطوط اساسی هست که این نظم جدید مطمئناً این خطوط اساسی در آن هست. یکی از آن خطوط عبارت است از انزوای آمریکا، در نظم جدید جهانی

۱ اسراء، ۸۱.

۲ خبرگزاری فارس، اعتراف اندیشمندان آمریکایی به افول هژمونی آمریکا.

مبحث سوم: دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده □ ۴۷

آمریکا منزوی خواهد بود بر خلافی آنی که ده، بیست سال پیش بوش پدر گفت امروز تنها قدرت مسلط دنیا آمریکاست. خط اساسی دوم، انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی از غرب به آسیا؛ آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی. خط اساسی سوم، فکر مقاومت و جبهه مقاومت گسترش خواهد یافت که مبتکرش جمهوری اسلامی است. فکر مقاومت در مقابل زورگویی.^۱

۲. دیدن اینکه آینده سه هیچ به نفع ماست

این سه خط اساسی است که در آینده برای ما نمایان می‌شود. دومین واقعیتی که از آینده ما باید ببینیم، این است که نتیجه سه هیچ به نفع ماست و ما هر چقدر پیش می‌رویم، قوی‌تر از گذشته می‌شویم. فرمود: «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»^۲

خیلی‌ها کافرند به این واقعیت، یعنی قدرت دیدن و پذیرش این واقعیت را ندارند. اگر ما در قطار حق و حقیقت حرکت می‌کنیم، ریل گذاری این قطار به سمت پیشرفت و در نهایت آزادی و آبادی جهان است. نباید از این کوتاه بیایم.

بی‌سر و صدا، به سمت قله پیشرفت

ما داریم بی‌سر و صدا، به سمت قله پیشرفت حرکت می‌کنیم، هرچند مشکلات داخلی، سرعت ما را کم می‌کند؛ اما مسیر پیشرفت ما را هرگز نمی‌تواند سد کند. ترس دشمن از این مسئله است. اصل دشمنی‌ها با ما سر این مسئله است. بقیه

۱ بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار با دانش آموزان، ۱۴۰۱۰۸۱۱

۲ اعراف، ۱۲۸.

فرع ماجرا است. مقام معظم رهبری فرمودند: «چالش اساسی و امروز کشور ما، چالش «پیشرفت و توقف و رکود و ارتجاع» است؛ زیرا ما در حال پیشرفت هستیم، ولی قدرت‌های استکباری از پیشرفت ایران اسلامی مضطرب و ناراحت می‌شوند و حرص می‌خورند. به دلیل همین ناراحتی و عصبانیت، امریکایی‌ها و اروپایی‌ها با همه امکانات وارد میدان می‌شوند؛ اما هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند، همانطور که قبل از این هم نتوانستند و در آینده هم نخواهند توانست»^۱.

ما توانستیم معادلات قدرت را با پیشرفت خودمان به هم بزنییم، این به هم ریختگی غرب و آمریکا به خاطر همین است. آن‌ها در اندیشکده‌های خودشان به این نتیجه می‌رسند که ایران نقش کلیدی در آینده جهان خواهد داشت. بعد دلم می‌خواهد یک درس در مدرسه، یک فیلم در صدا و سیما به من نشان دهید که نقش ایران در آینده جهان را نشان دهد؟ بعد هالیوود چطور در خدمت اهداف سیاسی آمریکا قرار می‌گیرد و نقش پوشالی خودش را در آینده جهان واقعی نشان می‌دهد؟

نقش ما در ساخت آینده چیست؟

البته این آینده که می‌گوییم از آن ما هست و بر بام جهان می‌نشینیم، بدون تلاش و مقاومت ما هرگز محقق نمی‌شود. بدون حرکت ما، این مسیر طلایی محقق نمی‌شود. ما برای ساخت آینده باید نقش‌آفرین باشیم. خدا بنا ندارد دو دستی آینده را به شما تحویل دهد و بگوید بفرمایید. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها ابتدا خودشان سرنوشت خودشان را تغییر بدهند و برای تغییر سرنوشت خودشان اقدام کنند»^۲.

۱ دیدار مردم اصفهان با رهبر انقلاب. ۲۸/۰۸/۱۴۰۱

مبحث سوم: دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده □ ۴۹

بعضی‌ها می‌خواهند همه کارها را به خدا بسپارند، در حالی که این روحیه قوم بنی اسرائیل بود. حضرت موسی (ع) با معجزه، چندین مانع پیشرفت را از مسیر بنی اسرائیل برداشت؛ برای مثال رود نیل شکافته شد و چه اتفاقات خوبی رخ داد. آن‌ها فکر کردند که باید موسی (ع) تمام موانع را بردارد. حضرت موسی (ع) به ایشان گفت: «وارد سرزمین مقدس شوید [که ظاهراً مصر بوده یا هر جای دیگر]؛ این‌ها گفتند اینجا یک عده زورگو هست. ما وارد سرزمین مقدس نمی‌شویم تا این‌ها اینجا هستند».^۱

دو نفر عاقل بین آن‌ها بود، گفتند: «بابا! شما بسم اللهش را بگویید، وارد بشوید، پیروز می‌شوید. اگر راست می‌گویید و خدا را قبول دارید روی حرف خدا حساب باز کنید.»^۲ حرف آخرشان این‌گونه بود که گفتند: «إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما همین‌جا نشسته‌ایم»!^۳

قوم موسی نخواستند خودشان مانع را بردارند و آن را به گردن حضرت موسی (ع) و خدا انداختند. می‌دانید خداوند چه بلایی بر سرشان آورد؟ چهل سال، از صبح تا شب، راه می‌رفتند و شب می‌رسیدند سر جای اولشان. آن قدر این اتفاق تکرار شد تا این نسل نابود شد و از دنیا رفت. خداوند بعد از آن اتفاق ورق را برگرداند، ولی به کمتر از نابودی جامعه‌ای که برای پیشرفت خودش حاضر نبود، قانع نشد.

استقامت و صبر شرط آینده‌سازی

استقامت و صبر شرط ساختن آینده است. مقام معظم رهبری فرمودند: «به نظر

۱. مانده، ۲۲.

۲. مانده، ۲۲.

۳. مانده، ۲۴.

من مهم‌تر از پدید آمدن نظام اسلامی، تاب‌آوری نظام اسلامی است. نظام اسلامی در مقابل این دشمنی‌ها، حملات و این ضربه‌های گوناگون تاب آورد. توانست تحمل کند، توانست ایستادگی کند، توانست بماند و توانست قوی شود. امروز جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی ۳۰ سال قبل و ۴۰ سال قبل نیست. امروز بحمدالله آن نهال تازه‌روبیده به یک درخت کهنی تبدیل شده و این یک الگوست.»^۱ ما امروز به هر جا رسیدیم به خاطر استقامت بود. پیشرفت‌های حیرت‌آوری که داریم را از استقامت و صبر گرفتیم.

همان کاری که زینب کبری (س) کرد. استقامت و صبر و تبیین نقشه دشمن، وقتی که دشمن می‌خواست جشن پیروزی بگیرد، حضرت زینب (س)، جشن دشمن را تبدیل به عزا کرد. خطاب به یزید چه فرمود؟ «كِدْ كَيْدَكَ وَ اجْهَدْ جُهْدَكَ فَوَ اللّٰهُ ... لَا تَمُحُوْا ذِكْرَنَا ... وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلاَّ فَنَدُّ وَ أَيامُكَ إِلاَّ عَدَدٌ وَ جَمْعُكَ إِلاَّ بَدْدٌ يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي أَلَّا لَعْنَ اللّٰهُ الظَّالِمِ الْعَادِي؛ یزید! هر تلاشی می‌خواهی انجام بده تو به خدا قسم نمی‌توانی ما را نابود کنی و خودت هم قدرتت رو به افول است. دو روز بیشتر بر سر کار نیستی.»^۲

یکی از جهادهای تبیینی که امروز ما می‌توانیم با اقتدا به زینب کبری (س) انجام دهیم، تبیین قدرت حق، بقای همیشگی حق و حقیقت و تبیین افول و ضعف باطل است. خیلی‌ها الان هم افول قدرت آمریکا را و قدرت جمهوری اسلامی را باور ندارند. این افول و آن قدرت گرفتن، قابل اندازه‌گیری است. حرف غیبی و روی هوای نیست.

آمارهای علمی و نظریه‌پردازی‌های بزرگ خودشان می‌گویند روزهای افول

۱۲/۰۶/۱۴۰۱۱ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت (ع)

مبحث سوم: دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده □ ۵۱

آمریکا است؛ اما هنوز بعضی جریانات سیاسی مرده در کشور، از قدرت آمریکا حرف می‌زنند، مردم را فریب می‌دهند؛ یکی از عرصه‌های تبیین، جهاد تبیین، اینجا است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم فرمودند جوانان مأمور به این جهاد هستند، اگر دشمن مردم را ناامید می‌کند، شما مردم را امیدوار کنید، اگر دشمن حقایق و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی را انکار یا وارونه می‌کند، شما جهاد کنید، حقیقت را روشن کنید.

استقامت و صبر رمز پیشرفت

تبیین مسئله استقامت و صبر به عنوان رمز پیشرفت نیاز به جهاد دارد. فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها)، استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!»^۱

صبر جمعی لازم است

شما به تنهایی صبر کنی کافی نیست. باید با جامعه صبر کنید، صبر جمعی را تمرین کنید، جامعه صبور چه نتایجی دارد؟ جامعه صبور را نمی‌توان با امید کاذب، مدیریت کرد. جامعه صبور را نمی‌توان با وعده‌های آنی فریب داد و رأی جمع کرد. در روانشناسی اجتماعی مردم کشورهای مختلف به شاخص‌هایی می‌رسیم که معمولاً مردم آن کشورها به آن صفت متصف بوده و معروف شده‌اند. بعضی از کشورها را می‌گویند این‌ها مردم صبوری هستند، جامعه صبوری هستند.

اولین علامت جامعه صبور

اولین علامت جامعه صبور، این است که در رسیدن به منافع خودش، عجله نمی‌کند. برای رسیدن به منافع خودش، سختی‌ها را تحمل می‌کند. جامعه صبور منافع بلندمدت خودش را فدای منافع کوتاه‌مدت نمی‌کند. اصلاً با جامعه صبور می‌شود درباره منافع بلندمدت حرف زد.

می‌گویند بگو ببینم چطور می‌توانیم به منافع بلندمدت برسیم؟ اما امان از جامعه که عجول باشد، اصلاً گوش نمی‌دهد که درباره منافع بلندمدت صحبت کنی. اصلاً حاضر نیست برای منافع بلندمدت، از منافع کوتاه‌مدت خودش بگذرد.

نقش مدیران سیاسی در مدیریت عجله و صبر در جامعه

حالا عجول بودن یا صبور بودن جامعه را چه کسی می‌تواند مدیریت کند؟ مدیران سیاسی. نفرمود مردم به سیاستمداران خودشان شبیه‌تر هستند تا به پدرانشان. فرمود: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^۱ این قدرت تأثیرگذاری تربیتی سیاستمداران است. ما جدای از تربیت افراد، یک هویت مستقلی برای جامعه قائل هستیم که تحت تأثیر عواملی تربیت می‌شوند یک عامل مهم تربیتی سیاسیون هستند.

اگر برخی از سیاسیون برای اینکه رأی بیاورند دائماً ذائقه مردم را به عجله برای رسیدن منافع کوتاه مدت سوق دهند. اگر سیاسیون مردم را به سوی منافع کوتاه‌مدت به قیمت ذبح منافع بلندمدت دعوت کنند، می‌دانید چه فاجعه به بار می‌آید؟ این رفتار سیاسیون چه اثر مخرب تربیتی برای جامعه دارد؟ فاجعه‌آمیزترین اثر تربیتی چنین رفتار سیاسی این است که یک جامعه را بی‌صبر و عجول می‌کند. جامعه که عجول شد، دیگر حاضر نیست برای رسیدن به منافع بلندمدت، صبوری

کند یا سختی‌ها را تحمل کند.

وقتی جامعه عجول شد، حتی به منافع کوتاه‌مدت خودش هم نخواهد رسید. این رفتار سیاسیون، فضای ناامیدی را در جامعه حاکم می‌کند و این جرم نیست؟ جرمی بالاتر از این نیست که شما یک جامعه را ناامید کنی از رسیدن به منافع خودش با امیدهای واهی که برای او درست کردی و نتیجه نرسیدی؟

چگونه در مدیریت ولایت، مردم به منافع بلندمدت خود می‌رسند؟

در مدیریت ولایت، شیوه حکمرانی ولایت، مردم صبور بار می‌آیند. دعوت به ولایت، دعوت به منافع بلندمدت و کسب منافع بیشتر است. چرا رهبری دست از سیاست اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید داخلی بر نمی‌دارد؟ چون منافع بلندمدت جامعه را می‌خواهد. انتخاب و تصمیم با شما.

اگر سیاستمداری، رونق اقتصادی را مبتنی بر نگاه به غرب کرد، این یعنی برای منافع کوتاه‌مدت، به غربی‌ها باج بدهد. تعطیلی تولیدی‌ها یعنی فدا کردن منافع بلند مدت برای رسیدن به منافع کوتاه مدت. مسئولینی که چنین سیاستی داشته‌اند و جامعه را به نابود کشیدند، باید توضیح دهند که چرا چنین کردند؟

رسماً بگویند ما چنین خسارتی را با چنین سیاستی؛ یعنی قربانی کردن منافع بلندمدت برای رسیدن به منافع کوتاه‌مدت به بار آورده‌ایم. اولاً چه منافع بلندمدتی را از دست دادیم؟ چند سال منافع بلندمدت مردم را نابود کردیم برای رسیدن به منافع کوتاه‌مدت. بعد بگویند که به منافع رسیدیم یا نرسیدیم؟ چقدر رسیدیم چقدر نرسیدیم؟

اگر آمار و ارقام این ضررها در بیاید، دیگر آبروی برای این سیاستمداران باقی نمی‌ماند. بگویند ما چند سال کشور را عقب انداختیم؟ اعداد و ارقام نجومی است. درست است که این‌ها بر سرکار نیستند؛ اما پس فردا روی کار می‌آیند و با تمام خطاها و خیانت‌ها از جامعه رأی می‌خواهند.

استقامت زینبی، تبیین زینبی، راه رسیدن به قله‌ها

امروز اگر ما مثل زینب (س) استقامت و تبیین کنیم، این استقامت زینبی، تبیین زینبی، مسیر ما را به سوی آینده همواره می‌کند. نصرت خدا را هم دریافت می‌کنیم در مسیر پیشرفت، راه سخت پیشرفت آسان و سرعت ما به سوی پیشرفت تصاعدی می‌شود. نقشه‌های دشمن هم بی‌اثر می‌شود. فرمود: «وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا؛ اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند»^۱.

چقدر خواستند زینب کبری (س) را شکست روحی بدهند، نتوانستند. حضرت مقاومت کرد در مقابل زخم زبان‌ها، گفت دیدی خدا با حسین تو چه کرد؟ حضرت چه جوابی به او داد؟ فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ جز زیبایی چیزی ندیدم»^۲ عوض اینکه حضرت احساس شکست کنند، دشمن را شکست دادند. دشمن را ناامید کردند.

تبیین‌گری، همان نقش ویژه حضرت زینب (س) است که نگذاشت هدف دشمن که وارونه کردن واقعیت‌های بود، محقق شود. حرکت تبیین خودش را از مرکز حکومت دشمن؛ یعنی شام شروع کرد. چه کسی باید کار نیمه تمام امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) در فتح شام را به سرانجام برساند؟

فتح شام به این سادگی‌های نبود. شام، جای بود که معاویه و جریان بنی‌امیه، بغض اهل بیت را تئوریز کرده بودند و در دل مردم شام قرار داده بودند. شام محل اجتماع مبغضین و مخالفین امیرالمؤمنین بود. شام تبعیدگاه محبین اهل بیت بود؛ اما جهاد تبیین حضرت زینب اوضاع شام را برگرداند.

۱ آل عمران، ۱۲۰.

۲ مشیر الاحزان، ص ۹۰.

مبحث سوم: دیدن واقعیت آینده و نقش ما در ساخت آینده □ ۵۵

حضرت زینب (س) در سخت‌ترین شرایط، ناامید نشدند. دست از تبیین و جهاد تبیین برنداشتند. امروز هم این مسیر تبیین‌گری نمی‌گذارد، راه روشن فردا را تاریک نشان دهند.

نقش من در جهاد تبیین

مقام معظم رهبری فرمودند: «جهاد تبیین» یک فریضهٔ قطعی و یک فریضهٔ فوری است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند].^۱ هر کسی امروز از یک خانم خانه‌دار بگیرید، تا کارمند و کارگر به اندازه فهم و درک خودش اگر بتواند یک حرف درست را به نزدیک‌ترین افراد خانواده خودش یا اطرافیانش برساند، همین اندازه هم چقدر مؤثر است. به قول مشهور: «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.» همین قطره قطره تبیین‌ها، جریان و دریای خروشان از تبیین و نورافشانی جامعه را رقم می‌زند.

به نظرم می‌رسد جهاد تبیین، جهاد نفر به نفر است. گاهی اصلاً در جمعی که همه مخالف یک واقعیت هستند، چون یک نفر تحت تأثیر جمع قرار دارد، نخواهد یا نتواند حقیقت را بپذیرد. باید او را از آن جمع مسموم بیرون بکشی. جای خلوت، در منزل خود دعوتش کنی. طرح رفاقت بزنی، بعد تازه باب گفتگوی دو نفره را باز کنی.

چگونگی جهاد تبیین توسط یک خانم خانه‌دار؟

مثلاً یک خانم خانه‌دار الآن در عرصهٔ جهاد تبیین چگونه می‌تواند شرکت کند؟ یکی از موضوعاتی که الآن جامعهٔ بانوان نیاز به تبیین دارد، مسئلهٔ مادر شدن است. چطور من به عنوان یک خانم خانه‌دار، می‌توانم خانم‌های اطراف خودم را قانع کنم به اینکه الآن خانواده‌ها تک‌فرزند شده‌اند و تک‌فرزندی چه آسیب‌های به

۱ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۹/۱۱/۱۴۰۰.

خانواده‌های تک‌فرزند می‌زند؟

یا مثلاً همین یک سؤال را از ذهن اطرافیان خودش پاک کند که شما که می‌گفتید فرزند کمتر زندگی بهتر، الآن چرا حرف دیگری می‌زنید؟ در پاسخ به این پرسش چند جواب ساده وجود دارد که با ترکیب همین جواب‌ها، پرسش‌های پیچیده‌ای حل می‌شود.

یکی اینکه مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۱ فرمودند: «سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقییر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد.»^۱ رهبری در این سال رویکرد اشتباه را رسماً اعلام فرمودند و در صدد اصلاح آن بر آمدند؛ آیا مردم ما هم در طول این ۱۰ سال تصمیم به اصلاح این مسیر گرفته‌اند و از این مسیر اشتباه برگشته‌اند یا خیر؟ آیا ما مردم هم گفتیم اشتباه کردیم؟

بازگشت مسئولین به این است که قوانین خوب بگذارند و از فرزندآوری حمایت کنند، آیا این اتفاق افتاده است؟ بله. قانون جوانی در مجلس تصویب شد. بندهای متعددی در حمایت از خانواده وجود دارد. یکی از قوانین وام دادن به کسانی است که فرزند می‌آورند. فرزند اول، بیست میلیون، فرزند دوم، چهل میلیون، فرزند سوم شصت میلیون. همین الآن این طرح در حال اجرا است. پس مسئولین در حال بازگشت به مسیر درست هستند.

بر فرض که مسئولین توبه نکرده باشند، ما مردم نمی‌توانیم کمک مالی در جهت فرزندآوری بکنیم؟ همین تعاونی‌های خانگی و صندوق‌های قرعه‌کشی را که وجود دارد، جهتمند کنیم به سمت فرزندآوری؛ مثلاً این وام قرعه‌کشی را که مبلغش ۵۰ میلیون کمتر یا بیشتر است، این بار بدون قرعه به کسانی می‌دهیم که فرزنددار

می‌شوند.

شاید بعضی‌ها بگویند آقا این حرف‌ها دروغ است که کمک می‌کنند. تعاونی‌ها هم هیچ‌وقت این سمت نمی‌آیند. سؤال بنده این است که آیا خدا هم دروغ می‌گوید؟ فرمود: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ؛ و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم». ^۱ چقدر جالب! خداوند می‌گوید اصلاً حواست هست؟ خودت را هم تا به امروز خودم روزی داده‌ام؟ اگر مروری به زندگی خود کنیم، دست روزی دهنده خدا به خودمان را می‌بینیم.

رازق کیست؟ گاهی ما در مسئله رزق و روزی مشرک هستیم؛ زیرا فکر می‌کنیم این آقا یا فلان مدیر رزق ما را می‌دهد. تو با چه کسی بستی؟ رازق رزق می‌گوید فرزندآوری عامل افزایش رزق و روزی است یا عامل کاهش رزق و روزی؟ تجربه نگاری لازم است. حضرت فرمود: «كُلَّمَا كَثَرَ الْعِيَالُ كَثَرَ الرَّزْقُ؛ هر زمان افراد خانواده انسان بیشتر شوند، روزی نیز فزون‌تر خواهد شد». ^۲

موانع جهاد تبیین را از وجود خودمان برداریم

این یک نمونه از جهاد تبیین برای فرزندآوری بود. البته جهاد تبیین نیاز به آموزش دارد، با انواع انگیزه‌ها باید آشنا شد، دست‌مان باید پر باشد، نباید از مسخره شدن بترسیم. باید با ایمان و توکل، موانع جهاد تبیین را از وجود خودمان برداریم. بعضی‌ها خجالت می‌کشند یا می‌ترسند تمسخر شوند. لذا دست از تبیین می‌کشند. نترس! تازه اگر تو را مسخره کردند، شبیه انبیا می‌شوی. قرآن فرمود: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد، مگر اینکه او را استهزا

۱ اسراء: ۳۱.

۲ شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۳۷.

می‌کردند».^۱

شأن شما بالاتر است یا شأن انبیا؟ خب شما را مسخره کردند، تازه شبیه انبیا می‌شوی. ممکن است شما را سرزنش کنند، نباید از سرزنش‌ها ترسید. چه کسانی از سرزنش نمی‌ترسند؟ کسانی که دستشان پر باشد. خودشان را دست‌کم نمی‌گیرند. مگر شأن شما از حضرت زینب (س) بالاتر است؟ شما را سرزنش می‌کنند، مسخره می‌کنند. این وضع طبیعی ما است؛ اما رفتار طبیعی در مقابل این سرزنش‌ها و مسخره کردن‌ها چیست؟ نترسیدن، جا نخوردن. کاری که زینب کبری (س) در مقابل آن هجمه دشمن انجام داد، این بود.

عزت دست خداست، خودت را بسپر به خدا. خدا به تو عزتی می‌دهد که نگو و نپرس. فرمود: «عن أبي سعيد الخدري: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُحَقِّرَنَّ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ. قالوا: يا رسول الله، وكيف يحقر أحدنا نفسه؟ قال: يرى أن عليه مقالا، ثم لا يقول فيه، فيقول الله عز وجل يوم القيامة: ما منعك أن تقول في كذا وكذا؟ فيقول: خشية الناس! فيقول: فإياي كنت أحق أن تحشى؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ یک از شما نباید خود را کوچک کند. عرض کردند: ای رسول خدا! چگونه کسی از ما خود را کوچک می‌کند؟ فرمود: به این ترتیب که در جایی خود را موظف به سخن گفتن بداند و چیزی نگوید. خداوند عزوجل در روز قیامت به او می‌فرماید: چه چیز مانع از آن شد که درباره فلان و بهمان چیز، سخنی نگویی؟ عرض می‌کند: ترس از مردم! خداوند می‌فرماید: سزاوارتر آن بود که از من می‌ترسیدی».^۲

۱، س، ۳۰.

۲ الترغيب والترهيب: ۳ / ۲۲۷ / ۱۴.

عواقب شوم عدم جهاد تبیین

اگر شجاعت در جهاد تبیین مثل زینب کبری(س)، را کسب نکنیم، به خاطر تبیین نکردن، شریک جرم هستیم با کسانی که در مقابل جبهه حق و حقیقت ایستادند. امیرالمومنین فرمود: «السَّاکِتُ أَخُو الرَّاضِي وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا كَانَ عَلَيْنَا؛ کسی که ساکت است برادر کسی است که به باطل رضایت داده و هر کس با ما نباشد علیه ماست»^۱.